

عنوان مقاله: شاخصه‌های مدیریت کرامت محور در سیره علوی

نصیبه ماندنی^۱

چکیده:

حفظ کرامت انسان‌ها از مقوله‌های بسیار مهم در فرهنگ و جامعه اسلامی است از آنجاکه کرامت می‌تواند حافظ بسیاری از ارزش‌های انسانی باشد و اینکه کرامت اختصاص به فرد یا گروه خاصی ندارد هر مدیری در هر مقامی باید به ارزش‌های انسانی احترام بگذارد. با توجه به اینکه در سیره علوی بر اهمیت کرامت تأکید شده و در سیره و گفتار امام علی (علیه السلام) نمود ویژه‌ای دارد این مبحث از جایگاه والایی برخوردار است. تحقیق حاضر با عنوان شاخصه‌های مدیریت کرامت محور در سیره علوی بیان شده و محقق بر آن است که با پرداختن به شاخصه‌های مدیریت سیاسی، اقتصادی، خانوادگی، فرهنگی، شاخصه‌های مدیریت سیره علوی را معرفی کرده و افراد را نیز برای الگو گیری از امام علی (علیه السلام) ترغیب نماید چراکه آن حضرت در ابعاد مختلف مدیریتی خود از جمله در سیاست، اقتصاد، خانواده و فرهنگ همواره بر رعایت کرامت انسان‌ها تا کید داشته‌اند تحقیق حاضر به روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

کلیدواژه: سیره علوی، شاخصه، کرامت، مدیریت

مقدمه:

بیان مسئله و ضرورت تحقیق: از آنجاکه کرامت اختصاص به فرد یا گروه خاصی ندارد و همه انسان‌ها از کرامت برخوردارند و کرامت ذاتی انسان هدیه‌ای است که خداوند به مخلوق خویش عطا کرده است در سیره اهل بیت (علیه السلام) آنان مظهر تام و اکمل کرامت شرافت و بزرگواری معرفی شده‌اند مدیریت در سیره آنان بر اساس محور کرامت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که قسمت‌هایی از آن در سیره علوی و در کتاب شریف نهج البلاغه دیده می‌شود؛ از این رو آنچه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود شاخصه‌های مدیریت کرامت محور در سیره امام علی (علیه السلام) است بی‌تردید از جمله مسائلی که در سیره علوی و در نهج البلاغه درباره آن بحث شده مسائل مربوط به کرامت انسانی است از آنجاکه

^۱ طلبه سطح ۳ مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی نرجس خاتون (سلام الله علیها) ۰۹۱۳۷۹۸۷۱۳۹

بسیاری از انسان‌ها پول قدرت و ... را مایه‌ی کرامت و بزرگی می‌دانند و انسان‌های فقیر و ضعیف را تحقیر می‌کنند و در هر پست و منصبی که باشند افراد فقیر و ضعیف را زیردست خود می‌دانند. ضرورت بحث در این موضوع به شدت احساس می‌شود. امام نسبت به حفظ کرامت انسان‌ها حساسیتی خاص دارند و در سیره علوی، کرامت انسانی به عنوان اصلی اساسی در مدیریت جامعه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. امام علی (علیه السلام) در ابعاد مختلف مدیریتی خود از جمله در عرصه سیاست، اقتصاد، خانواده فرهنگ و ... همواره بر رعایت کرامت انسان‌ها تا کید داشته‌اند.

پیشینه: بر متفکران پوشیده نیست که خداوند کرامت ذاتی را در وجود انسان‌ها قرار داده و هر فرد در هر قوم و زبان و جایگاهی از کرامت برخوردار است درباره حفظ کرامت انسان در مکاتب گوناگون سخن گفته شده و مقالات و کتب فراوانی نوشته شده است برخی از مقالات که مرتبط با این موضوع هستند عبارت‌اند از جایگاه کرامت انسانی در سلامت انسان از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه این مقاله نوشته مینا شمخی استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز است که ابتدا به مفهوم شناسی واژه کرامت پرداخته و سپس انواع کرامت و معیارهای کرامت اکتسابی را در آن شرح داده است. مقاله دیگر که می‌توان به آن اشاره کرد با عنوان حفظ کرامت انسانی در سلامت روان است که آقای ناصر خداپنده لو دانشجوی کارشناس ارشد دانشگاه علوم انسانی دانشگاه آزاد ابهر آن را نگاشته وی در این مقاله به کرامت انسان پرداخته و آن را تعریف و مفهوم شناسی نموده و به درجات کرامت پرداخته است در این مقالات بر کرامت تأکید داشتند و کرامت را محور بحث قرار دادند اما بر مدیریت کرامت محور امام علی (علیه السلام) به طور منسجم و جداگانه نپرداختند در این مقاله تلاش شده که شاخصه‌های مدیریت کرامت محور امام علی (علیه السلام) به طور جداگانه و منسجم گردآوری گردد.

سؤال و هدف تحقیق: تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که شاخصه‌های مدیریت کرامت محور در سیره علوی چیست؟ شاخصه‌های مدیریت سیاسی کرامت محور در سیره علوی چیست؟ شاخصه‌های مدیریت اقتصادی کرامت محور در سیره علوی چیست؟ شاخصه‌های مدیریت خانوادگی کرامت محور در سیره علوی چیست؟ شاخصه‌های مدیریت فرهنگی کرامت محور در سیره علوی کدام است؟

هدف از نگارش این مقاله آن است که با توجه به اهمیت و جایگاه کرامت در سیره علوی همه انسان‌ها در هر مقام و منصبی که هستند با مدیریت کرامت محور در سیره علوی آشنا شده و با الگو قرار دادن سیره آن حضرت در زندگی فردی و اجتماعی خود به مدیریت کرامت محور اهتمام ورزند امید است این پژوهش بتواند گامی در جهت ترویج فرهنگ کرامت انسانی در جامعه اسلامی و الگوبرداری از سیره علوی در مدیریت جامعه باشد.

۱_ مفهوم شناسی:

۱_۱_ مفهوم مدیریت:

۱_۱_۱_ مدیریت در لغت: مدیر در لغت به معنای اداره‌کننده و گرداننده در کارهاست (قیم: ۱۳۸۴ هـ.ش، ج ۱، ص ۹۵۶) مدیریت، مدیری و مدیر بودن است. (معین: ۱۳۶۴ هـ.ش، ج ۳، ص ۳۹۷۳)

۱_۱_۲_ مدیریت در اصطلاح: یکی از مهم‌ترین رکن‌های زندگی اجتماعی مدیریت است چون سرنوشت انسان‌ها در خیر و شر به هم گره خورده است لذا ارتباطات اجتماعی بسیار ضروری است تا حقوق افراد ضایع نشده، وظایف فردی و اجتماعی تعیین شده و حق از باطل جدا شود. در این راستا هماهنگ بودن افراد و سازمان‌های اجتماعی و حرکت به‌سوی اهداف جمعی، نظارت بر قوانین و ارزشیابی امور، اهمیت مدیریت را بیشتر نشان می‌دهد که محور اصلی زندگی اجتماعی مدیریت است. (باقری، گلپایگانی: ۱۳۹۵ هـ.ش، ص ۵)

۱_۲_ مفهوم کرامت:

۱_۲_۱_ کرامت در لغت: واژه کرامت از ریشه‌ی کرم بوده و بر بزرگواری سخاوت شرافت، بزرگ‌منشی دلالت دارد. (آذرتاش آذر نوش: ۱۳۹۴ هـ.ش، ص ۹۱۶) (قرشی: ۱۳۷۷ هـ.ش، ج ۲، ص ۸۹۹) (فراهیدی: بی‌تا، ج ۵، ص ۳۶۸) (ابن فارس: ۱۳۹۹ هـ.ق، ج ۵، ص ۱۷۲)

کرم اگر وصف برای خدا باشد منظور از نعمت آشکار خداست و اگر وصف برای انسان باشد نام اخلاق و افعال پسندیده او است. (راغب اصفهانی: ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۱، ص ۷۰۷)

۱_۲_۲_ کرامت در اصطلاح: کرامت در اصطلاح به معنای نزاهت از پستی و فرومایگی است و کریم یعنی روح بزرگوار و منزّه از هر پستی، بدین معنا کرامت در برابر دئانت قرار می‌گیرد و کریم در مقابل دنی. (جوادی آملی، ۱۳۶۶ هـ.ش، ج ۴، ص ۲۱ و ۲۲)

۱_۳_ مفهوم سیره:

۱_۳_۱_ سیره در لغت: سیره بر وزن «فعله» از کلمه «سیر» مشتق شده است سیر به معنای رفتن و رفتار است ولی «سیره» یعنی نوع و سبک رفتار. (مطهری: ۱۳۸۵ هـ.ش، ج ۱، ص ۴۸)

سیره یعنی حالت نوع خاص حرکت و رفتار انسان (ابن منظور: ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۴، ص ۳۸۹) سیره بر وزن «فعله» دلالت بر نوع عمل می‌کند مثلاً «جلسه» بر وزن فعله به معنای نشستن است و «جلسه»

بر وزن فعله به معنای نوع نشستن است، پس سیره به معنای طریقه، هیئت، حالت و عرف است. (ولایی: ۱۳۸۷ هـ.ش، ج ۱، ص ۱۹۸) برخی محققان از دلالت وزن فعله بر نوع و هیئت عمل چنین برداشت کرده‌اند که سیره بر سبک و روش عمل دلالت دارد و از این رو گفته‌اند سیره نویسان معمولاً از این نکته تخطی کرده و به رفتار پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) پرداختند نه سبک رفتار پیامبر.

۱_۳_۲_ سیره در اصطلاح: در بررسی این دیدگاه باید به این مطلب توجه داشت که سیره دو معنا دارد سیره در اصطلاح گاه به معنای چگونگی و نوع عمل است این چگونگی همان هیئت و حالت فعالیت آدمی است و از آنجاکه هیچ فعالیت بدون حالتی خاص تحقق نمی‌یابد و حالت رفتار جدا از رفتار نیست سیره در این مفهوم همه رفتارها و فعالیت‌های آدمی را شامل می‌شود این معنای نخست و اصیل سیره است که البته ربط چندانی به سبک و قاعده و رفتار ندارد.

معنای دوم سیره «سبک و قاعده و رفتار» است این معنا اخص از معنای اول است و از آنجاکه معمولاً هر رفتار و عملکرد به‌ویژه اگر از فاعل حکیم و به‌صورت پیوسته اتفاق افتاد تابع قانون و سبکی ویژه است گاهی «سیره» به معنای سبک شیوه و قاعده حاکم بر رفتار به کار می‌رود و آنچه استاد شهید مطهری بدان اشاره دارد بر همین اصطلاح استوار است اما در اصطلاح مورخان «سیره» به همان معنای اول استعمال شده که رایج و دقیق است البته باید توجه داشت که منظور ما سیره به معنای دوم است و «سیره» علاوه بر رفتار تربیتی معصومان (علیهم‌السلام) چگونگی گفتارهای تربیتی و نه محتوای گفتار آنان را نیز شامل می‌شود. (داوودی، حسینی زاده: ۱۳۹۷ هـ.ش، ص ۸)

سیره علوی به طریقه و سیره رفتاری امام علی (علیه‌السلام) در ارتباط وی با خداوند و خانواده و بررسی رابطه وی با جامعه اسلامی و روابط سیاسی اقتصادی و نظامی او می‌پردازد در روایتی از پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) آمده است که فرمود: «علی (علیه‌السلام) با حق است و حق با او حق با علی می‌گردد هر جا که باشد». (شیخ مفید: ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۹۷) از این رو می‌توان گفت که امام علی (علیه‌السلام) یکی از معیارهای تشخیص حق از باطل بوده و سیره او به معنای کامل‌ترین سیره و الگو مورد توجه قرار گرفته است.

۲_ شاخصه‌های مدیریت سیاسی کرامت محور:

در نگاه امام علی (علیه‌السلام) انسان‌ها بدون توجه به دین و اعتقاداتشان کرامت دارند و این کرامت اختصاص به فرد یا گروه خاصی ندارد و حکومت باید به ارزش‌های انسانی احترام بگذارد. امام علی (علیه‌السلام) به کرامت ذاتی انسان‌ها توجه نموده و آن را ملاک حکومت علوی خود قرار داده است. از نمونه‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد:

۲_۱_ عدم تبعیض میان مردم:

یکی از عواملی که حکومت را نابود می‌کند و مردم را نسبت به دولتمردان بدبین می‌سازد و چه‌بسا باعث خشمگین شدن مردم از دولت‌مردان می‌گردد تبعیض میان مردم است. امام علی (علیه‌السلام) در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: «فَانَّهُمْ صِنْفَانِ: اِمَّا اَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ اِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) مردم دو دسته‌اند دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند.

بنابراین قومیت و جنسیت و نژاد و سن کم یا زیاد در کرامت دخالتی ندارد و همه از کرامت لازم برخوردارند پس باید از احترام نیز برخوردار باشند بر این اساس به مالک توصیه می‌کند و نکاتی را در رابطه با برخورد با مردم به ایشان گوشزد می‌کند.

امام علی (علیه‌السلام) برای اینکه مالک را به حکومت بر دل‌ها تشویق کند دستور رحمت و محبت و لطف را درباره رعایا صادر می‌کند سپس به بیان نقطه مقابل می‌پردازد که حاکم همچون حیوان درنده باشد که خوردن حق آن‌ها را غنیمت داند و بهترین دلیلی که می‌آورد این است که رعایا در حکومت اسلامی از دو حالت خارج نیستند اینکه اکثریت مسلمان‌اند و اسلام هر مسلمانی را برادر مسلمان دیگر می‌داند و یا اقلیت است که با مسلمانان زندگی مسالمت‌آمیز دارد و انسان نسبت به انسان باید در کمال محبت رفتار کند. (مکارم شیرازی: ۱۳۷۵ هـ، ج ۱۰، ص ۳۷۹)

به همین جهت بود که امام علی (علیه‌السلام) با هرگونه تبعیض میان مردم چه مسلمان چه غیرمسلمان چه زن یا مرد کوچک یا بزرگ مقابله می‌کرد و به همه تکریم می‌نمود و تنها ملاک برتری از نظر ایشان کسی بود که با تقوا تر باشد در قرآن کریم نیز آمده است که برخی از نظر کرامت در درجه بالاتری هستند. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است. (حجرات: ۱۳)

قرآن بزرگ‌ترین امتیاز را برای تقوا قرار داده است و آن را تنها معیار سنجش انسان‌ها می‌شمارد. (مکارم شیرازی: ۱۳۷۴ هـ، ج ۲۲، ص ۱۹۶) حکومتی زیباست که بر اساس معیار ارزشی اسلام (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) بنا شده باشد و مال و ثروت و رنگ و نژاد و... در آن تأثیری نداشته باشد و حکومت امام علی (علیه‌السلام) و مدیریت سیاسی که ایشان اعمال کردند در همه ابعاد آن شرافت و کرامت

امام علی (علیه السلام) به فرهنگ و ادب مردمان بسیار تأکید داشتند و نیاز مردم به دانش و فرهنگ شایسته را بیش از نیاز مردم به مادیات و نیازهای اقتصادی می دانستند ایشان در این زمینه می فرمایند: «أَنَّ النَّاسَ إِلَى صَالِحِ الْأَدَبِ أَحْوَجُ مِنْهُمْ إِلَى الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ» به درستی که مردم به فرهنگ نیکو نیازمندترند از طلا و نقره (محمدی ری شهری: ۱۴۲۹ هـ.ق، ج ۴، ص ۳۲۷) و می فرمایند: «أَنْتُمْ إِلَى اكْتِسَابِ الْأَدَبِ أَحْوَجُ مِنْكُمْ إِلَى اكْتِسَابِ الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ» به درستی که شما به کسب ادب و فرهنگ نیازمندتر از طلا و نقره هستید. (محمدی ری شهری: بی تا، ج ۳، ص ۴۰۳) (البغدادی: بی تا، ج ۱، ص ۷۷)

امام علی (علیه السلام) بر دانش افزایی تأکید فراوان داشتند و آن را زمینه ساز بسیاری از موفقیت ها می دانستند امام در توصیف علم به کمال می گوید: «يَا كَمِيلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ، وَالْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَالْعِلْمُ يَزْكُوا عَلَى الْإِنْفَاقِ، وَ صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ. يَا كَمِيلُ بِنَ زِيَادِ مَعْرِفَةِ الْعِلْمِ دِينَ يُدَانُ بِهِ، بِهِ يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ الطَّاعَةَ فِي حَيَاتِهِ وَ جَمِيلَ الْأَحْدُوثَةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ، وَالْعِلْمُ حَاكِمُ وَالْمَالِ مُحْكُومٌ عَلَيْهِ. يَا كَمِيلُ هَلَكَ خَزَانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷) ای کمال دانش بهتر از مال است زیرا علم نگهبان تو است و مال تو را باید نگهبان باشی مال با بخشش کاستی پذیرد اما علم با بخشش فزونی گیرد و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده با نابودی مال نابود می گردد. ای کمال بن زیاد شناخت علم راستین (علم الهی) آیینی است که به خاطر آن پاداش داده می شود و انسان در دوران زندگی با آن خدا را اطاعت می کند و پس از مرگ، نام نیکو به یادگار گذارد. دانش فرمانروا و مال فرمان بر است. ای کمال ثروت اندوزان بی تقوا مرده اند، گرچه به ظاهر زنده اند، اما دانشمندان تا دنیا برقرار است زنده اند. امام علی (علیه السلام) در این سخن گویبار به اثبات برتری علم بر مال و ثروت می پردازد ایشان بیان می دارد که علم نگهبان انسان است چراکه علم هم ایمان را حفظ می کند و هم جان را اما انسان ثروتمند دائم باید مواظب اموالش باشد تا آن را غارت نکنند امام (علیه السلام) علم را همیشه در حال افزایش و ماندگار می داند اما ثروت ماندگار نیست و از بین می رود امام علی (علیه السلام) علم را قوام دین و دنیا می داند ایشان به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند: «يَا جَابِرُ، قَوَامُ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ: عَالِمٍ مُسْتَعْمِلٍ عِلْمَهُ، وَ جَاهِلٍ لَا يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَ جَوَادٍ لَا يَخِلُ بِمَعْرُوفِهِ، وَ فَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ. فَإِذَا ضَيَعَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ اسْتَنْكَفَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَ إِذَا بَخِلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۲)

ای جابر استواری دین و دنیا به چهار چیز است عالمی که به علم خود عمل کند و جاهلی که از آموختن سر باز نزند و بخشنده ای که در بخشش بخل نرزد و فقیری که آخرت خود را به دنیا نفروشد.

اینجا اشاره به این دارد که اگر این چهار چیز همه در جای خود قرار گیرند دین و دنیا مردم سامان می‌گیرد اولین مورد دانشمندی است که علم خود را به کار بگیرد و دوم نادانی است که از آموختن علم خودداری نکند بنابراین نخستین پایه‌های علم و دانش و تعلیم و تعلم است و اگر این دو پایه محکم نشود نه دین سامان می‌یابد نه دنیا.

در توضیح این حکمت گفته شده است: «دنیا به وسیله مال و ثروت و پس از آن به علم و دانش استوار است علم برای صرف مال در جای خود و شناخت راه‌های مختلف به دست آوردن آن که آیا شایسته است یا نه، از حلال است یا حرام و این علوم همان علوم فقه و اصول فقه، تفسیر قرآن و سنت رسول خداست که احکام نیز از آن آموخته می‌شود، به هر حال ناگزیر به داشتن علم است» از این سخن به خوبی می‌توان فهمید که کسب علم در زندگی لازم است چون در این جهان انسان‌ها به یکدیگر نیاز دارند و ممکن نیست که بی‌نیاز از یکدیگر باشند و با علم می‌توانند دنیا را برای خود پابرجا نگاهدارند.

چیزی که می‌تواند روشنی‌بخش حقیقی زندگی باشد الگو قرار دادن زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام) و پیروی از آنهاست و نسخه بی‌بدیل برای همه زمان‌ها تبعیت از مولایمان امام علی (علیه‌السلام) است ایشان با رعایت کرامت در مدیریت فرهنگی خود بهترین نمونه و الگو برای ساده زیستی عفت عزت و کسب علم هستند.

نتیجه‌گیری:

با توجه بر اینکه مسأله تحقیق حاضر، شاخصه‌های مدیریت کرامت محور در سیره علوی است با توجه به بررسی‌های صورت گرفته نتایج ذیل به دست آمده است:

۱_ کرامت انسانی از جمله مفاهیم بنیادین در آموزه‌های اسلامی است که در سیره امام علی (علیه‌السلام) نیز نمود ویژه‌ای دارد ایشان در نهج‌البلاغه و دیگر روایات ضمن تأکید بر کرامت ذاتی انسان به تبیین جایگاه و حقوق انسان‌ها پرداخته‌اند.

۲_ امام علی (علیه‌السلام) در ابعاد مختلف مدیریتی خود در عرصه‌های سیاسی اقتصادی خانوادگی و فرهنگی همواره بر رعایت کرامت انسان‌ها تأکید داشتند.

۳_ برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های مدیریت کرامت محور در سیره علوی عبارت‌اند از:

شاخصه‌های مدیریت سیاسی؛ عدم تبعیض میان مردم و انتخاب کارگزاران شایسته و باکفایت.

شاخصه‌های مدیریت اقتصادی؛ تساوی در بیت‌المال و پرهیز از تشریفات.

شاخصه‌های مدیریت خانواده؛ تکریم فرزندان، تکریم همسر و تکریم والدین، در عرصه فرهنگ آموزش و علم‌اندوزی.

۴_ شاخصه‌های بیان شده می‌تواند به‌عنوان الگویی مناسب برای مدیران و مسئولان جامعه اسلامی در راستای تحقق جامع عادلانه و کرامت محور مورد استفاده قرار گیرند.

فهرست منابع:

*قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

منابع فارسی:

۱. آذرتاش آذر نوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی بر اساس فرهنگ عربی انگلیسی

هانسور، (۱۳۹۴هـ.ش)، تهران، نشر نی، چاپ هفدهم.

۲. باقری، حسین و دیگران، مدیریت قرآنی و علوی، (۱۳۹۵هـ.ش)، چهارمین کنفرانس بین

المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.

۳. جوادی آملی، عبدالله، کرامت در قرآن، (۱۳۶۶هـ.ش)، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء،

چاپ اول.

۴. خوانساری، آقا جمال، شرح محقق بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غرر الحکم

و دررالکلم، (۱۳۶۶هـ.ش)، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم.

۵. داوودی، محمد، حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، (۱۳۹۷هـ.ش)،

قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دهم.

۶. قرشی، سید علی اکبر، مفردات نهج البلاغه، (۱۳۷۷هـ.ش)، مصحح: بکایی، محمدحسین،

تهران.

۷. قییم، عبدالنبی، فرهنگ معاصر عربی فارسی، (۱۳۸۴هـ.ش)، تهران، فرهنگ معاصر.

۸. محمدی ری شهری، محمد، دانش نامه امیر المومنین (ع) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، (۱۳۸۲ هـ ش) قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۹. _____، _____، علم و حکمت در قرآن و حدیث، (بی تا)، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۱۰. _____، _____، میزان الحکمه، (بی تا)، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۱. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، (۱۳۸۵ هـ ش)، تهران: موسسه انتشارات صدرا، چاپ سی و پنج.
۱۲. معین، محمد، لغت نامه فارسی، (۱۳۶۴ هـ ش)، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، (۱۳۷۴ هـ ش)، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم.
۱۴. _____، _____، و جمعی از فضلا، پیام امام امیرالمؤمنین، (۱۳۷۵ هـ ش)، تهران: دارالکتب اسلامیه.
۱۵. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، (۱۳۸۷ هـ ش)، تهران: نشر نی، چاپ ششم.

منابع عربی:

۱۶. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی ابوالفضل جمال الدین ابن منظور الانصاری الرو یغی الافریقی، لسان العرب، (۱۴۱۴ هـ ق)، بیروت: دار صادر، الطبعة الثالثة.
۱۷. احمد بن فارس بن زکریا الرازی، ابولحسن، معجم مقاییس اللغة، (۱۳۹۹ هـ ق)، محقق: عبد السلام محمد هارون، بی جا، دار الفکر.
۱۸. البغدادی، مولی علی، منتخب الجواهر العلمیه فی الکلمات العلویه، (بی تا)، تحقیق هادی ربانی، بی جا، بی نا.
۱۹. التمیمی الآمدی عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم ودرر الکلم، (۱۳۶۶ هـ ش)، مصحح مصطفی درایتی، ایران، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۰. حر عاملی، وسائل الشیعه، (بی تا)، محقق شیخ عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت: بی نا.
۲۱. الخلیل بن احمد فراهیدی، العین، (بی تا)، محقق: مهدی المخزومی، إبراهیم السامرائی، دارالمکتبه الهلال.

۲۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، (۱۴۱۲هـ.ق)،
محقق: صفوان عدنان الداودی، دمشق: دارالقلم طبع الاولی.
۲۳. رضی الدین ابی نصر الحسن بن الفضل الطبرسی، مکارم الاخلاق، (بی تا)، محقق: محمد
الحسین الاعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۴. شیخ مفید، محمد بن محمد، الفصول المختاره، (۱۴۱۳ هـ.ق)، محقق: علی میرشریفی ،
قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۲۵. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، (۱۳۷۷هـ.ش)، مترجم:
علی عبدالحمیدی ، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، (بی تا)، بی جا، مؤسسه الوفا.
۲۷. محمدی ری شهری، محمد، حکم النبی الاعظم، (۱۴۲۹هـ.ق)، قم: مؤسسه علمی فرهنگی
دارالحديث.

نشریه و مقالات:

۲۸. ایراندوست، عباس، «خورشید هدایت»، (۱۳۴۴هـ.ش)، تهران: ناشر اسلامیه.
۲۹. «معارف اسلامی»، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.